

درک تهدید و آثار آن بر رویکرد محیط‌شناسی اندیشکده‌های روسیه؛

با تأکید بر محیط آسیای مرکزی و قفقاز

مهدی هدایتی^۱، محمدرضا لارتنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۱۲

چکیده

در طرح‌ریزی دکترین‌های امنیتی، همواره برای مؤلفه تهدید نقش ویژه‌ای در نظر گرفته می‌شود. اگر تهدید را معادل ترکیبی از احتمال یک رویداد و پیامدهای منفی آن بدانیم، گزاره تهدید در الگوی ذهنی تحلیل‌گران روسی به مجموعه وضعیت‌هایی گفته می‌شود که به نحوی منافع، ارزش‌ها و اولویت‌های ملی کوتاه‌مدت و بلندمدت کشور روسیه را به خطر انداخته، به آن‌ها آسیب‌زده و یا نابودی آن‌ها را نشانه رفته است. این نوشتار با اولویت دادن به تحولات امنیتی و توجه به تهدیدهای محوری در این محیط، سؤال اصلی خود را این‌گونه مطرح می‌کند که اندیشکده‌های دولتی و غیردولتی روسیه چه تعریف، دیدگاه، ابعاد و مؤلفه‌هایی پیرامون دو مفهوم تهدید و محیط در آسیای مرکزی و قفقاز دارند؟ فرضیه اصلی مقاله عبارت است از آن‌که اندیشکده‌های دولتی و غیردولتی در روسیه بر پایه تجربیات تاریخی، جغرافیای ملی، هویت طبیعی و فرهنگی، منافع و اولویت‌های مادی خود به تعریف و بسط مفاهیم تهدید و محیط در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز پرداخته‌اند این مقاله در چارچوب نظریه سازه‌نگاری به تبیین ادراکات روسی از تهدید و تأثیر آن بر مفهوم محیط به‌ویژه آسیای مرکزی و قفقاز می‌پردازد. برای دسترسی به نتایج مطلوب این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای (مکتوب و الکترونیکی) به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی: اندیشکده، تهدید، روسیه، محیط‌شناسی، آسیای مرکزی، قفقاز

^۱. استادیار روابط بین‌الملل گیلان، گیلان، ایران (نویسنده مسئول)

mehdi.hedayati@gmail.com

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشگاه گیلان، گیلان، ایران

۱- مقدمه

مفهوم امنیت عبارت از عدم نگرانی‌های ذهنی از وجود خطرات برای اهداف است. این خطرات شامل مواردی همچون تهدیدها، چالش‌ها و آسیب‌پذیری‌ها می‌باشند. امنیت عینی زمانی حاصل می‌شود که ادراک از «تهدید»، «چالش»، «آسیب‌پذیری» و «خطرات» برطرف شود. به‌عنوان نمونه، هنگامی می‌توان از وجود چالش برای یک کشور سخن گفت که منافع، ارزش‌ها و اولویت‌های ملی آن به خطر افتاده و یا در حال نابودی باشد. با توجه به تهدیدهای خاص فرامرزی، راهبرد امنیت ملی کشورها به‌طور عمده بر روی «منابع و علل تهدید» تمرکز می‌کند. به عبارت دقیق‌تر، کشورها برای مسدود کردن مجاری ورود تهدید و یا برای کاهش و از بین بردن آن‌ها از طریق اقدام سیاسی عمل می‌کنند.

تا به امروز در روسیه، نسبت به موضوع آینده‌پژوهی پیرامون محیط‌های تهدید در امور نظامی و امنیتی غفلت نشده است. این وضعیت نشان می‌دهد که محیط‌شناسی و پایش امنیتی سرزمینی برای روس‌ها امری حیاتی تلقی می‌گردد. طبیعی است که برای دولت روسیه، محیط‌شناسی داخلی و خارجی در راستای پیگیری مطالبات آینده این کشور در گستره سرزمینی پیچیده و مخاطره‌آمیز بیش‌ازپیش ضرورت دارد. در روند محیط‌شناسی، ابتدا موقعیت محیطی یک کشور تبیین می‌شود و سپس سایر مؤلفه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... در نسبت با محیط تعریف می‌گردند. محیط از منظر لغوی معادل‌های متعددی در رشته‌های مختلف علمی دارد، اما در یک تعریف اجمالی به معنای همه عوامل محاط‌کننده انسانی و غیرانسانی، ملموس و ناملموس است (حاجیان، ۱۳۹۵: ۱۱).

تحولات محیطی صورت پذیرفته به‌طور عمده تحت تأثیر تهدیدهای خاص همان محیط و میزان اهمیت آن‌ها تبیین می‌شود. وسعت سرزمینی، فضای هوایی و دسترسی دریایی سبب تدوین راهبردهای دفاعی-امنیتی گوناگونی در محیط‌های مختلف توسط استراتژیست‌های روس شده است (سرگونین، ۱۳۹۸: ۱۷۴-۱۷۵). محیط‌شناسی برخلاف تهدیدشناسی بر مبنای بدیهیات مشخص و غیرسیاسی صورت می‌گیرد و ماهیتی محدود دارد؛ اما در مطالعات مراکز فکری، کارشناسان و تصمیم‌گیران روسیه، مفهوم تهدید در ترکیب با متغیر محیط، به‌عنوان یک موضوع پیچیده در نظر گرفته می‌شود که نیازمند یک منطق راهبردی برای اندیشیدن و تحلیل یکپارچه و درست آن است.

برای فهم دقیق و کارآمد از شناخت ذهنی روس‌ها باید الگوی مناسبی برای مطالعه منابع روسی داشت. در این مقاله با بررسی الگوهای محیط‌شناسی موجود و با آگاهی از ماهیت بین‌رشته‌ای محیط‌شناسی به دنبال طراحی یک الگوی علمی منسجم که پاسخگوی چارچوبی روشمند برای موضوع مقاله باشد، خواهیم بود. برای تحقق این روش باید با رویکردی تبارشناسانه و تلفیقی علمی و عملی، محیط‌شناسی را تبیین و درنهایت از ترکیب آن‌ها به ساختی جامع و کامل دست‌یافت. این نوشتار با اولویت دادن به تحولات امنیتی و توجه به تهدیدهای محوری در محیط‌های مختلف، سؤال اصلی خود را این‌گونه مطرح می‌کند که اندیشکده‌های دولتی و غیردولتی روسیه چه تعریف، دیدگاه، ابعاد و مؤلفه‌هایی پیرامون دو مفهوم تهدید و محیط دارند؟ فرضیه مقاله عبارت است از آن‌که «مراکز مطالعاتی دولتی و غیردولتی در روسیه بر پایه تجربیات تاریخی، جغرافیای ملی و هویت طبیعی و فرهنگی، منافع و اولویت‌های مادی خود به تعریف و بسط مفاهیم تهدید و محیط از منظر روس‌زبانان پرداخته‌اند. این پرداخت روسی از تهدید و محیط برگرفته از واقعیات زیست چند صدساله روس‌ها، تجربه‌های پرتکرار تهاجم و تهدیدهای نظامی و سیاسی آن‌ها است که بیشتر تحت عنوان تصور یا برداشت تهدید و فضا در میان محققان مطرح است».

۲- چارچوب نظری

در نخستین دهه هزاره سوم طیف وسیعی از رویکردهای گوناگون در روابط بین‌الملل به چشم می‌خورد که برداشت‌های متفاوت و گاه متناقض از سیاست بین‌الملل و روابط میان ملت‌ها را به دست می‌دهند. این رویکردها نه فقط ساختارها و کنش‌های بین‌المللی، بلکه تاریخ تحولات جهانی را نیز به گونه‌ای متفاوت درک کرده و تصویری دگرگون از آن ارائه می‌دهند. به همین دلیل، شکاف ادراکی گسترده‌ای در رابطه با موضوع امنیت، تهدید، ابعاد آن و محیط‌شناسی امنیت محور وجود دارد. امنیت باید به نحوی مفهوم‌سازی گردد که ابعاد چندگانه آن از نگاه تصمیم‌گیران روس لحاظ شود. پس باید هم ویژگی‌های نظامی و فیزیکی مدنظر باشد و هم بر بنیان‌های معنایی تأکید گردد. سازه‌نگاری یکی از مهم‌ترین مکاتبی است که در حوزه مطالعات امنیت گام‌های مؤثری را در این مسیر برای تبیین دقیق، بسط و توسعه مفهوم امنیت برداشته و ماهیتی چندبعدی به آن بخشیده است با پیش‌فرض‌های فوق، نگارندگان مقاله حاضر در جهت تبیین مطلوب تهدید و محیط در کنش‌های فدراسیون روسیه از نگاه مراکز مطالعاتی و امنیتی روسی، اصول و رهیافت‌های نظریه سازه‌نگاری را در کانون توجه و تمرکز قرار داده‌اند.

نگاه این رهیافت به امنیت، نبود جنگ و تهدید نظامی از بیرون از مرزها نیست. بلکه در نگرشی عمیق‌تر و گویاتر، امنیت عبارت است از ایجاد شرایطی مطلوب در داخل و خارج از کشور هم برای توسعه نظامی و تأمین امنیت و هم برای توسعه سیاسی، اقتصادی، انسانی. در این تعریف بازیگر خصلتی فعال پیدا می‌کند و محیط‌شناسی متفاوتی بر مبنای خواسته‌ها و مؤلفه‌های درونی خود ترتیب می‌دهد. به طوری که موانع پیش روی تمایلات و نیازها تهدید تلقی می‌شوند. در ساختار مطالعات امنیت نظریه سازه‌نگاری، چهار معیار اصلی وجود دارد: ۱. هنجار ۲. هویت ۳. فرهنگ ۴. اجتماع امنیتی (مشیر زاده، ۱۳۸۶: ۳۴۶-۳۴۷).

هنجار: سازه‌نگاران معتقد هستند که هنجارها تأثیری عمیقی بر سیاست‌های داخلی، خارجی و برداشت‌های امنیتی کشورها دارد. آن‌ها هنجارها را عقاید میان موضوعی درباره جهان طبیعی و جهان اجتماعی می‌دانند که بازیگران، موقعیت‌ها و احتمالات مربوط به اقدامات آنان را تعریف می‌نماید. هنجارها از این جهت میان موضوعی محسوب می‌شوند که عقایدی هستند که ریشه در رویه‌های اجتماعی داشته و از طریق آنان بازتولید می‌شوند. هنجارها، بازیگران و کنش‌های معنادار را از طریق قرار دادن آن‌ها در نقش‌ها و محیط اجتماعی به وجود می‌آورد. در این چارچوب، سازه‌نگاران به دنبال آن هستند که هنجارها در شرایط مختلف زمانی و مکانی چگونه عمل می‌نمایند. به گونه‌ای که برخی از اعمال را امکان‌پذیر و برخی را ناممکن می‌سازند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۴۷-۴۹).

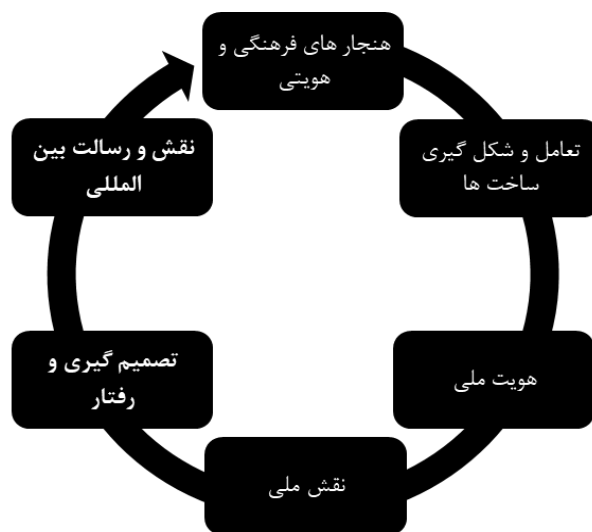
هویت: هویت‌های بیناذهنی به‌عنوان رفع‌کننده نیازها و انتظارات پایدار بین دولت‌ها، برای تضمین الگوهای رفتاری پیش‌بینی‌پذیر و گریز از آشفتگی و آناشسی، ضروری می‌باشند. یک دولت هویت خودش را از طریق رویه‌های اجتماعی روزانه خود بازتولید می‌کند و ساختار بیناذهنی در شکل‌گیری این معانی نقش محوری دارد. سازه‌نگاری با طرح منافع به‌عنوان یک متغیر محوری، نه تنها توضیح می‌دهد که منافع خاص چگونه به وجود می‌آید همچنین می‌گوید که چرا بسیاری از منافع به وجود نمی‌آیند. از نظر سازه‌نگاری، هویت‌ها و منافع با رویه‌های اجتماعی به‌مانند ساختار و کارگزار در تعامل هستند.

فرهنگ: سازه‌انگاران بر این عقیده هستند که فرهنگ یک برساخته اجتماعی است که توصیف‌کننده مسائل گسترده‌ای از کنش‌ها، رویه‌ها و بستر تاریخی جامعه مربوطه است. به اعتقاد سازه‌انگاران این ساختارهای اجتماعی شامل منابع مادی و غیرمادی و معنایی برای کنش انسانی هستند (Wendt, 1995:75). نظریه‌های فرهنگی به عوامل وابسته به ایده‌ها توجه دارند و مسئله امنیتی را بر اساس عوامل فرهنگی تشریح می‌نمایند. در مجموع چهار نوع نظریه فرهنگی در تشریح و تبیین مسائل امنیتی وجود دارد که شامل؛ رویکرد سازمانی؛ سیاسی؛ استراتژیک و جهانی می‌شود (افتخاری، ۱۳۷۹: ۲۹).

اجتماع امنیتی: این اصطلاح از ترکیب دو مفهوم شکل گرفته است. اجتماع در ادبیات جامعه‌شناسی در یک تعریف خاص به معنای پیوند و احساس تعلق و وابستگی به کار می‌رود. این تعریف بر اساس عناصری چون تعهدات مشترک و تقریباً پایدار، ریشه‌های ارتباطی فرهنگی و اجتماعی استوار و تعاملات پایدار انجام‌شده است که می‌تواند به گونه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی هویتی و امنیتی تقسیم گردد، هست.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا با استفاده از مؤلفه‌های اصلی سازه‌انگاری برای طراحی یک الگوی تحلیلی متناسب با سیاست خارجی کشورها از رویکردی ترکیبی مبتنی بر واردکردن سایر عناصر مؤثر در فرایند شناخت الگوی رفتاری بازیگران بهره جست. این الگوی تحلیلی بر عناصری همچون نقش و رسالت، هویت و ادراکات ملی، تعاملات بین فرهنگی و الگوی تصمیم‌گیری رفتاری استوار است که در شکل دوار زیر به نمایش درآمده‌اند. بر اساس این الگو، رویکرد برخی از مهم‌ترین اندیشکده‌های روسی که در حوزه سیاست خارجی تحلیل‌ها و رویکردهای تهدیدشناسی و درک محیط پیرامونی روسیه را پیگیری می‌کنند، مورد ارزیابی و معرفی قرار خواهد گرفت.

الگوی تحلیل سیاست خارجی مبتنی بر رویکرد سازه‌انگاری



منبع: طرح ابتکاری نگارندگان

۳- جایگاه اندیشکده‌ها در دوران معاصر

اندیشکده به سازمان‌ها یا مؤسسات تحقیقاتی گفته می‌شود که در مسائل مربوط به سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی، تولید ایده، مطالعات بین‌رشته‌ای و اتخاذ راهبردها به پژوهش می‌پردازد. در ادبیات تخصصی فارسی برای آن معادل‌هایی مانند هیئت‌های اندیشه‌ورز، نهاد مولد اندیشه، کانون تفکر، اندیش گاه، مخزن اندیشه و اتاق فکر پیشنهاد شده است. اندیشکده‌ها ساختارهای مناسبی برای به‌کارگیری فکر، ایده، علم و دانش برای خدمت به قدرت و دیپلماسی و در نتیجه امنیت یک کشور هستند. این مراکز خلأهای موجود بین جهان دانشگاهی و دولت‌ها را پر می‌کنند.

نقش اولیه اندیشکده‌ها ایجاد پل بین جهان ایده و عمل است. اندیشکده‌ها به‌عنوان حلقه مفقوده سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌سازی‌های حکومتی و دولتی هستند. از این‌رو، نخبگان اجرایی (مدیران) باید دریابند که به‌تنهایی قادر به درک و تحلیل تمامی فرصت‌ها و موقعیت‌های تصمیم و برنامه‌ریزی نیستند. در نتیجه باید افراد خبره و اندیشمند گردآمده در اندیشکده‌ها که کارشان تحلیل اوضاع و احوال داخل و خارج کشور و نیز ایده‌های نو است به دولت‌ها در انجام امور یاری‌شان دهند. به‌ویژه این‌که این موضوع در حوزه‌ای حیاتی همچون امنیت ملی بیش‌ازپیش اهمیت پیدا می‌کند. به‌موازات عصر فضا، عصر اتم، عصر دیجیتال و بسیاری از القاب دیگر، عصر کنونی عصر اندیشکده‌ها است. در جهان امروز، فکر و ایده از چنان اهمیتی برخوردار است که دیگر نمی‌توان بر مبنای اندیشه‌های گذشته به موفقیت دست‌یافت. قبل از ظهور پدیده مراکز فکری، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری تنها در بدنه قوای سه‌گانه حکومتی و توسط مدیران اجرایی یا مشاوران آن‌ها صورت می‌گرفت (ایناتلو و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲).

۴- اندیشکده‌های تصمیم‌ساز پیرامون حوزه مطالعات امنیتی در روسیه

رجوع به مراکز مطالعاتی و امنیتی روسیه و یا همان اندیشکده‌ها به‌عنوان منابعی برای درک تهدیدشناسی و محیط‌شناسی از جمله تحقیقاتی است که به فهم نگاه پژوهشگران این کشور نسبت به مسائل بین‌المللی و ادراکات آن‌ها از سایر بازیگران کمک شایانی خواهد کرد. در این تحقیق، پس از بررسی تعداد زیادی از اندیشکده‌های مختلف در روسیه با غربال‌گری چند موسسه دولتی و غیردولتی روسی که تأثیرگذاری بیشتری بر فضای تحقیقاتی و تصمیم‌گیری این کشور داشتند، مهم‌ترین آن‌ها برای تجزیه و تحلیل گزارش‌ها انتخاب شدند. هدف از این عمل، تلاش برای دستیابی به نتایج دقیق‌تر و تبیین صحیح و علمی موضوع موردنظر بود. روسیه با داشتن حدود ۱۲۲ اندیشکده در جایگاه هشتم نظام رتبه‌بندی جهانی و همچنین جایگاه اول در میان کشورهای اروپای مرکزی و شرقی قرار دارد (McGann, 2016:31-32).

یک روش معمول و قابل‌اطمینان برای درک دقیق از مقاصد و انگیزه‌های کنشگری کشورها، مطالعه و تحلیل منابع تصمیم‌سازی است که در حکم نقشه راه برای نخبگان اجرایی محسوب می‌شود؛ بنابراین در اینجا نیز تأثیرگذارترین مراکز مطالعاتی راهبردی، امنیتی و بین‌المللی فدراسیون روسیه موردبررسی قرار خواهند گرفت. این مراکز مطالعاتی شامل اندیشکده‌ها و مراکز پژوهشی دولتی و غیردولتی روس زبان است. برای درک سریع‌تر و آسان‌تر نوع رویکرد این اندیشکده‌ها، آن‌ها در ۴

طیف (سیاسی - امنیتی)، (تاریخی - هویتی)، (اقتصادی - انرژی پایه) و (نظامی - دفاعی) دسته‌بندی شده‌اند. این دسته‌بندی ابتکاری به واسطه رویکرد گزارش‌ها و تحلیل‌های ارائه شده از سوی این مراکز صورت پذیرفته است. در حوزه سیاسی - امنیتی بیشتر توجه معطوف به اندیشه‌های چون موسسه مطالعات راهبردی روسیه^۱، شورای امور بین‌الملل روسیه^۲، کارنگی مرکز مسکو^۳، باشگاه بحث والدای^۴ و شورای سیاست خارجی^۵ و دفاعی بوده است. در حوزه تاریخی - هویتی بر موسسه‌های باشگاه فکری کاتھون^۶ و ژئوپلیتیک^۷، در حوزه اقتصادی - انرژی بر مراکز تحلیلی دولت فدراسیون روسیه^۸ و تحقیقات راهبردی «شمال غربی»^۹ و در حوزه نظامی - دفاعی بر اندیشه‌های مرکز تحلیل راهبردها و فناوری‌ها^{۱۰} و مرکز تحلیلی تجارت جهانی اسلحه^{۱۱} بیشتر تکیه شده است. از سال ۲۰۱۳ این اندیشه‌ها در رتبه‌بندی سالانه دانشگاه پنسیلوانیای آمریکا^{۱۲} در میان بهترین اندیشه‌ها در اروپای مرکزی و شرقی و در میان مؤسسات فکری برتر اجتماعی رتبه‌بندی شده است (McGann, 2016:110).

از اهتمام‌های اصلی هر کشوری از جمله فدراسیون روسیه برای ثبات سیاسی، شناسایی محیط و ارزیابی تهدیدها و اقدامات عاجل برای رفع آن‌ها هست. به هنگام تدوین اسناد راهبردی، محیط برنامه‌ریزی به کلیه عواملی اطلاق می‌شود که بر سازمان اثر گذاشته و از آن تأثیر می‌پذیرند. سازمان‌ها در چارچوب محیط، مسائل راهبردی را شناسایی می‌کنند و سپس به اتخاذ تصمیم می‌پردازند (جمشیدی و الهی، ۱۳۹۳: ۳۷). در اسناد راهبردی بالادستی و دکترین‌های امنیت ملی روسیه از مهم‌ترین نگرانی‌ها یافتن ریشه‌های خطر و تهدید، مبارزه با آن‌ها، دفع نقاط تهدید در ورای مرزهای ملی خواهد بود. تغییر عمق راهبردی مقابله با تهدیدها در خارج از مرزها از سوی کرملین هم جنبه تحمیلی دارد (به دلیل اقدامات منفی سایر قدرت‌ها)؛ و هم از سوی دیگر از وجه ارادی به سبب خواسته کنونی مقامات دولتی برای ایفای نقش جدی‌تر در پهنه جهانی برخوردار است. بر پایه مطالعه و دقت در نوع نگاه محیطی روس‌ها از میان مناطق مختلف، محیط آسیای مرکزی و قفقاز از سوی نگارندگان مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

۵- محیط آسیای مرکزی و قفقاز؛ دغدغه امنیت و معادله رقابت

تقریباً تمامی راهبردهای کوتاه‌مدت و طرح‌های در دست پیگیری فدراسیون روسیه در این منطقه را باید در قالب ایده اوراسیای بزرگ^{۱۳} تفسیر کرد. اولویت‌های اقتصادی و سیاسی مسکو و حتی بخش بزرگی از پایش سرزمینی و نگاه امنیتی روسیه به

۱. Российский Институт Стратегических Исследований (РИСИ)

۲. Российский Совет по Международным Дела́м (РСМД)

۳. Московский Центр Карнеги

۴. Международный Дискуссионный Клуб «Валда́й»

۵. Совет по Внешней и Оборонной Политике (СВОП)

۶. Интеллектуальный Клуб КАТЕХОН: (Katehon)

۷. Геополитика

۸. Аналитический центр при Правительстве Российской Федерации

۹. Центр Стратегических Разработок «Северо-Запад»

۱۰. Центр Анализа Стратегий и Технологий

۱۱. Центр Анализа Мировой Торговли Оружием (ЦАМТО)

۱۲. این رتبه‌بندی توسط مرکز (Global To Go Think Tank) دانشگاه پنسیلوانیا انجام می‌شود.

۱۳. Большая Евразия

کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز تحت لوای ایده اوراسیای بزرگ و تعاملات درون اتحادیه اقتصادی اوراسیایی دیده می‌شود (Кузьмина, 2017:230).

به باور کارشناسان برخی از اندیشکده‌های روسی، تمایل روسیه به ظاهر شدن به‌عنوان یک شریک برابر با سایر بازیگران کلیدی جهان، بدون وجود یک محیط ژئوپلیتیک وفادار قابل اجرا نیست. یکی از اقدامات برای ایجاد چنین محیطی برای پاسخ به بی‌ثباتی اقتصادی و افزایش تهدیدهای خارجی، ایجاد اتحادیه اقتصادی اوراسیایی است. این طرح متشکل از شبکه‌ای از توافقنامه‌های تجاری دوجانبه و چندجانبه بین اتحادیه اقتصادی اوراسیایی، چین، هند، پاکستان، ایران، اعضای کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و سایر کشورها است. خواسته‌های اصلی روسیه در این برنامه تأمین منابع اصلی رشد اقتصادی موردنیاز و یافتن جایگاهی جدید در اقتصاد جهانی برای خود است (Селезнев, 2018:100).

کرم‌لین در این طرح آینده‌ساز برای خود منافع صریحی و ضمنی را خواهان است. برای مسکو مهم آن است تا از این فرصت بهره‌برداری تا نه تنها مجموعه‌ای از خدمات و محصولات دلخواه لجستیک و محبوبش نظیر کالاهای اولیه، کالاهای کشاورزی، کالاهای صنعت دفاعی و فناوری‌های فضایی را صادر کند، بلکه امنیت موردپسندش را نیز ضمن آن ارائه دهد. روسیه به‌وضوح این نقش را با دیگر سهامداران بانفوذ در طرح اوراسیای بزرگ به اشتراک می‌گذارد تا هم نظر و حمایت آن‌ها را جلب نماید، هم سایرین را از فراگیری سود ناشی از عملیاتی شدن این طرح مطمئن سازد. روسیه می‌تواند نقش یک مرکز برای ادغام بین آسیای روبه‌رشد و اروپا را ایفا نماید. این امر روسیه را قادر می‌سازد تا وضعیت جدیدی را برای خود به ارمغان آورد که در آن یک قدرت در حاشیه‌ی اتحادیه اروپا با دارایی‌های آسیایی قدر است کند. این کشور به دنبال سیاست‌های فعال اقتصادی و توسعه تکنولوژیک موردنیاز خویش است. در پروژه اوراسیای بزرگ، روسیه در نظر دارد با همکاری شرکای قدیمی و جدید خویش چندین کالای پیشرفته، غذاها، محصولات با آب و انواع مواد اولیه پردازش‌شده در سطح بالا تولید و عرضه کند.

۵-۱ جایگاه آسیای مرکزی در طرح اوراسیای بزرگ روسیه

مشارکت در اوراسیا بزرگ که برای اولین بار توسط ولادیمیر پوتین^۱ رئیس‌جمهوری فدراسیون روسیه در اواخر سال ۲۰۱۵ ارائه شد، از این فرض آغاز می‌شود که اولین گام‌ها باید در راستای معماری اقتصادی ابرقاره اوراسیا برداشته شود نه درزمینه سیاسی یا نظامی، بلکه ابتدا درزمینه اقتصاد باید این امر صورت پذیرد. در چارچوب این طرح، توسعه پروژه‌های ادغام اقتصادی در اوراسیا بدون شروع یک فرآیند هم‌زمان و موازی تقویت امنیت قاره و حل مشکلات به ارث رسیده از قرن بیستم غیرممکن است. این مشکلات شامل اختلافات ارضی، جدایی‌طلبی، مسابقه تسلیحاتی، خطر گسترش سلاح‌های کشتارجمعی، تروریسم بین‌المللی و افراط‌گرایی مذهبی است (Kortunov, 2020: 3).

منطقه آسیای مرکزی در زمره اولین مناطقی محسوب می‌شود که مسکو ملاحظات و مطلوبیت‌های خود را در ارتباط با آن تفکیک‌ناپذیر می‌پندارد. در همین چارچوب هم از منظر سیاست خارجی کلان روسیه و هم در نگاه اندیشکده‌های روسی، اولین گروه از وظایف مربوط به حفظ و تقویت روابط دیپلماتیک روسیه، مربوط به همسایگان خود است. این کشورها خارج از حوزه

^۱. Vladimir Putin

سیاست خارجی فعال روسیه قرار دارند، زیرا نخبگان سیاسی روسیه آن‌ها را به‌طور پیش‌فرض در حاشیه برنامه‌های بین‌المللی و به‌عنوان کشورهای که سرنوشت آن‌ها توسط ابرقدرت‌های همسایه تعیین می‌شود، می‌بیند. با این حال مسکو هنوز آسیای مرکزی را به‌طور انحصاری در حوزه نفوذ خود به‌عنوان منطقه‌ای در نظر می‌گیرد که روسیه باید از لحاظ اقتصادی، سیاسی و نظامی بر آن تسلط یابد (Gabuev, 2016: 2). اما بسیاری از متفکران روس معتقدند که برای افزایش کارایی سیاست خارجی روسیه در ارتباط با جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق، نیاز به یک دیدگاه استراتژیک و معرفی عناصر راهبردی احساس می‌شود (Makhmutov, 2016: 3).

الکساندر گابوئف^۱ در مقاله‌ای که در اندیشکده «روسیه در امور جهانی»^۲ به تحلیل نگاه مسکو در ارتباط با نقاط تلاقی برجسته این کشور با آمریکا در جمهوری‌های سابق شوروی می‌پردازد، اهمیت امنیتی و دفاعی کشورهای حوزه آسیای مرکزی را برای کرملین توضیح داده و لزوم درک برداشت این‌چنینی را نسبت به واشنگتن تبیین می‌کند. از نظر گابوئف به دلایل تاریخی، روسیه به یک منطقه حائل^۳ در اطرافش نیاز دارد تا از دشمنانش محافظت شود. پس از فروپاشی پیمان ورشو و انحلال اتحاد جماهیر شوروی، مسکو جمهوری‌های شوروی سابق را به چشم منطقه جدید بافر^۴ به معنای یک کمربند ایمنی در اطراف قلمرو روسیه که «عمق استراتژیک»^۵ کشور را فراهم می‌کند، می‌بیند. وی معتقد است که کشورهای متعلق به منطقه بافر، باید با روسیه در یک بلوک نظامی متمرکز هماهنگ شوند تا ایده‌ی سازمان پیمان امنیت جمعی^۵ در سال ۱۹۹۲ را پیاده سازند. به نظر او، ارتش روسیه دو خطر عمده امنیتی برای احتمال پیوستن هر یک از جمهوری‌های شوروی سابق به ناتو در پیش خواهد داشت: کاهش زمان پرواز برای موشک‌های ناتو برای هدف قرار دادن سرزمین روسیه و تغییر نگرش ناتو در موازنه قدرت میان نیروهای متعارف (Gabuev, 2018: 2). تصادفی نیست که وقتی سخن از استفاده از ابزار ژئوپلیتیکی «قدیمی و جدید» روسیه به میان می‌آید، جمهوری‌های شوروی سابق به‌عنوان ابزار سیاسی در اولین محیط آزمایش در جنگ اطلاعاتی کرملین، اهدافی برای اقدامات نظامی و بهره‌مندی از جریان تجارت و انرژی می‌باشند. یکی از ویژگی‌های قدرت جهانی در نظر مسکو، داشتن گروهی از کشورهای وابسته است که «حوزه‌ی منافع ممتاز» این قدرت را تشکیل می‌دهند. برای مسکو، نگه‌داشتن این کشورها در مدار خود، به بخشی از تلاشش به‌عنوان یک قدرت بزرگ تبدیل شده است.

آسیای مرکزی به‌عنوان گستره‌ای که بخشی مهمی از طرح اوراسیای بزرگ روسیه را تشکیل می‌دهد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. طرح اوراسیای بزرگ کانون چندین هدف به‌هم‌پیوسته اساسی و کلید چشم‌انداز بین‌المللی روسیه از سوی نخبگان این کشور در نظر گرفته شده است. این محیط باهدف تقویت ماهیت چندوجهی سیاست خارجی روسیه، نقطه تلاقی محور نگاه به شرق (تعمیق روابط استراتژیک با چین) و نیز مبنای طرح شریک برابر در مقابل اتحادیه اروپا (جبران عدم موفقیت در ساخت فضای بزرگ اروپایی از لیسبون تا ولادی‌وستوک) خواهد بود؛ بنابراین پروژه اوراسیای بزرگ ابزاری برای رسیدن به اهداف، نه

1. Alexander Gabuev

2. Russia in Foreign Affairs

3. Buffer Zone

4. Strategic Depth

5. Collective Security Treaty Organization (CSTO)

خود هدف خواهد بود. این طرح یک الگوی عملی است که روسیه را قادر می‌سازد تا ضمن تغییر روابط خود با اروپا، نقش آسیای مرکزی را در راستای راهبرد همکاری روسیه و چین تغییر دهد (Paikin, 2019: 2).

گفتنی است که کشورهای آسیای مرکزی در طی دو دهه گذشته تلاش کرده‌اند فاصله مناسب خود را از هژمونی منطقه‌ای روسیه حفظ کنند و در عین حال مشروعیت و حاکمیت داخلی خود را نیز نگه‌دارند. به طوری که رویکرد آن‌ها بر سه عامل نهایی زیر متمرکز است: ۱) وابستگی ساختاری به روسیه؛ ۲) سطح اصرار روسیه بر انطباق با سیاست‌هایش؛ ۳) منافع آن‌ها با یکدیگر و قدرت‌ها. با این حال نباید از این نکته غفلت کرد که تفاوت‌هایی که بین کشورهای شوروی سابق وجود دارد به مثابه چالش بزرگی برای مسکو تلقی می‌شود. دولت‌های این منطقه از لحاظ ساختارهای اقتصادی و اجتماعی، شرایط تاریخی شکل‌گیری، روابط دوجانبه با روسیه و نوع اتحادها متفاوت هستند. به گونه‌ای که روسیه برای به دست آوردن اذهان این کشورها سخت در تلاش است تا تصویر خود را به عنوان جانشین بزرگ شوروی سابق از دست ندهد. به طور کلی رهبران روسیه مهارت‌های خود را در استفاده از تاکتیک‌های «اقدام با تأخیر^۱» و «پاسخ دقیق^۲» به کار می‌گیرند.

۵-۲ رویکردهای متعارض به طرح اوراسیای بزرگ روسیه

انتشار طرح اوراسیای بزرگ از سوی مسکو، واکنش‌های متفاوتی را در سطح نظام بین‌الملل به همراه داشته است. به عنوان نمونه، اروپا پروژه اوراسیای بزرگ را نشانی از دلتنگی بی‌پایان روسیه برای اتحاد جماهیر شوروی در یک پروژه جدید به عنوان بخشی از میراث تاریخی پوتین می‌داند. این دیدگاه بیان می‌دارد که تلاش روسیه در راستای بازیابی دنیای چندقطبی و موقعیت‌های اقتصادی که به دلیل رشد ایالات متحده آمریکا و جمهوری خلق چین از دست‌رفته‌اند، بازسازی خواهد کرد. واکنش اتحادیه اروپا به طرح اوراسیای بزرگ روسیه تابعی از طرح مشارکت شرقی این اتحادیه بوده است (Mukhametdinov, 2020: 5).

درواقع اتحادیه اروپایی تنها در صورتی طرح اوراسیای بزرگ را قابل‌پذیرش می‌داند که محدودیتی برای طرح مشارکت شرقی آن ایجاد نکند. مشارکت شرقی^۳ یک ابتکار سیاسی بود که اتحادیه اروپایی در سال ۲۰۰۹ برای توسعه روابط با شش کشور شرقی بلوک شوروی سابق آغاز کرد. این طرح اعلام می‌داشت که برنامه‌ای برای همکاری با ارمنستان، آذربایجان، بلاروس، گرجستان، مولداوی و اوکراین جهت معرفی تجربه و رویکردهای توسعه اقتصادی، نهادهای سیاسی و جامعه مدنی اروپا در نظر دارد. باین وجود طبیعی است که روسیه مشارکت شرقی را به عنوان پروژه ژئوپلیتیک اروپا باهدف گسترش نفوذ خود تلقی کند (Chimiris, 2019: 2). از سوی دیگر، ایالات متحده به عنوان دیگر رقیب روسیه در آسیای مرکزی به طور کامل مخالف اجرای برنامه‌های روسیه برای بازسازی نقش منطقه‌ای خود و احیای توان سابق از طریق این محیط است؛ بنابراین بر پویایی روابط خود با کشورهای پسا شوروی برای تحت فشار گذاشتن روس‌ها تأکید دارد. البته برخی علاقه‌اشنگتن به این منطقه را بر پایه ایده‌ای از «کثرت‌گرایی انرژی» می‌دانند؛ یعنی یافتن راه‌های جایگزین برای عرضه نفت و گاز به اروپا (Minasyan, 2017: 3).

1. Delayed Action

2. Accurate Response

3. Eastern Partnership (EaP)

به‌طور کلی از یک‌سو، تلاش قدرت‌های خارج از منطقه برای جلب نظر کشورهای آسیای مرکزی برای پیوستن به اتحادیه‌ها و سازمان‌های مختلف برای مبارزه با یک یا چند تهدید، نقش کشورهای آسیای مرکزی در سیاست جهانی را افزایش داده است (Karin, 2017: 1). از سوی دیگر کشورهای منطقه با یک انتخاب دشوار بین مسیرهای توسعه اروپایی، روسی، چینی و حتی آمریکایی روبه‌رو هستند. به‌عبارت‌دیگر این کشورها در مرحله انتخاب فرمول همکاری هستند: استراتژی منطقه بافر یا استراتژی سکوی گفتگو (Apukhtin, 2020: 5). اگر کشورهای بافر یک استراتژی بازی با جمع صفر را انتخاب کنند و فقط روی یک قدرت بزرگ حساب باز کنند، خود را در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌دهند.

با توجه به موقعیت جغرافیایی و همچنین نفوذ ایده اوراسیای بزرگ، اندیشکده‌های روسی چالش‌ها و مطلوبیت‌های روسیه در منطقه آسیای مرکزی را در درون دو عامل درونی و بیرونی جستجو می‌کنند. از منظر داخلی، تهدیدهای امنیتی برآمده از آسیای مرکزی (جریان‌های افراطی و مسئله مبارزه با تروریسم^۱) به‌مثابه دغدغه اصلی امنیتی مسکو برای سال‌ها باقی خواهد ماند؛ اما در بُعد بیرونی علاوه بر زیرساخت‌های سوخت، انرژی، حمل‌ونقل و تدارکات کشورهای عضو اتحادیه اروپایی، مزایای رقابتی در مواد اولیه، مواد غذایی، تمرکز بر روی یکپارچه‌سازی با قصد پیشرفت شرکت‌های پیشرو روسی در زمینه ارتباطات اقتصادی جهانی موجود در آسیا و اروپا انجام می‌پذیرد. با این‌وجود تهدیدهای متنوعی بر سر تحقق اهداف روسیه دیده می‌شود که ممکن است به واقعیت مبدل شوند. به‌عنوان نمونه خطرات ناشی از درگیری‌های نظامی تهدیدکننده جریان مبادلات تجارت بین‌الملل، ادامه تحریم‌ها و سیاست ضد تحریم از جمله مهم‌ترین این موارد به شمار می‌روند.

۵-۳ نگاه روسی به چالش‌های انسانی - فرهنگی آسیای مرکزی

یکی از چالش‌های بزرگ که روزبه‌روز بر وزن تهدیدهای آن در میان کشورهای منطقه افزوده می‌شود، نگرانی از گسترش اندیشه‌های رادیکال و افراط‌گرایی در میان مسلمانان آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی است. رهبران روسیه ابراز نگرانی واقعی خویش را در مورد تهدیدات سازمان‌های رادیکال اسلام‌گرا، معمولاً از طریق بحث درباره تروریسم جهانی و افراط‌گرایی مطرح می‌نمایند. الکسی مالاشنکو^۲ در مرکز «کارنگی»^۳ نوشته‌ای را با عنوان «چالش‌های اسلامی برای روسیه، از قفقاز تا اورال» منتشر کرد که در آن زمینه‌های تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی و فکری بروز اسلام‌گرایی افراطی، چگونگی تغییر بافت جمعیتی مسلمانان و سیر قدرت گرفتن آن‌ها در مناطق مختلف را به‌خوبی بیان نمود. به اعتقاد او در طول دوره کمونیستی، اکثر مسلمانان شوروی تحت مبانی «اسلام سنتی» به‌طور غیر محسوس زندگی می‌کردند. فقدان نظم و انضباط در انجام مراسم موجب کم‌رنگ شدن اجتماعی حوزه مذهب شده بود؛ اما پس از فروپاشی ورق برگشته بود. در دهه اول قرن بیست‌ویک، وضعیت در برخی مناطق مسلمانان نشین شروع به تغییر کرد: دیدگاه‌ها و گروه‌های رادیکال به شکل حلقه‌های آموزشی فعال درآمدند. در حمایت از برخی جریان‌های افراطی در خاورمیانه (به‌ویژه در سوریه و از سال ۲۰۱۴ در عراق) تحرکاتی دیده شد (Malashenko, 2015: 1). در نتیجه افزایش افراط‌گرایی مذهبی در نوع خود تبدیل به یکی از مهم‌ترین چالش‌های منطقه برای سیاست خارجی و داخلی روسیه شد. با توجه گسست ناپذیری میان مسئله مهاجرت یک‌سویه از آسیای مرکزی به روسیه، باید ویژگی‌های ضمنی این حرکت را نیز مورد توجه قرارداد (Jardine, 2020: 2). ورود جریان‌های افراطی در اوایل سال ۲۰۱۰ یکی از

1. Narcoterrorism

2. Alexey Malashenko

3. Carengie

ویژگی‌های برجسته مهاجرت به روسیه تلقی شد. به این معنی که آسیای مرکزی به‌طور فزاینده‌ای خود را به‌عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر جریانات افراطی جهان اسلام تشخیص می‌داد و با مهاجرت نیروی کار به روسیه امکان تسری فضای افراطی به بستر آماده روسیه دوچندان شده بود.

باین‌حال، شکست و پراکنده شدن نیروهای اصلی داعش در سوریه و عراق، بازهم چالش‌های جدیدی را برای روسیه رقم‌زده است. نیروهای تروریستی که سوریه و عراق را ترک می‌کنند، سعی دارند به سرزمین‌های دیگر کشورها از جمله روسیه و کشورهای آسیای مرکزی بازگردند. آندری کوریبکو^۱، پژوهشگر مرکز «ژئوپلیتیک»، آسیای مرکزی را یک جبهه شناخته‌شده برای گروه‌های افراطی می‌داند و معتقد است رهبران این منطقه در طول دو دهه گذشته تلاش‌های زیادی را برای سرکوب این تهدید انجام داده‌اند. کوریبکو خصومت‌های مداوم در افغانستان و گسترش داعش به این کشور محاصره‌شده در خطر جنگ را فرصتی برای دستیابی افراد و گروه‌های افراطی به تجربیات ارزشمند در نبرد قلمداد می‌کند. از نظر او تغییرات سیاسی همراه با اختلافات نخبگان داخلی و حاکمیت ناتوان، ممکن است سبب الهام گرفتن سلفی‌ها برای بازگشت به خانه و تلاش برای بهره‌برداری از این وضعیت به نفع خود شود (Korybko, 2017: 15 - 20).

۴-۵ رویکرد روسی به دورنمای رقابت و همکاری در قفقاز جنوبی

قفقاز از نظر سیاسی به دو بخش قفقاز جنوبی (ماورای قفقاز) و قفقاز شمالی تقسیم می‌شود که قفقاز جنوبی شامل کشورهای جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است. در این میان، ارمنستان تا پیش از روی کار آمدن نیکول پاشینیان^۲ به‌عنوان نخست‌وزیر در این کشور و جنگ قره‌باغ در پاییز ۲۰۲۰، به‌عنوان عضو سازمان پیمان امنیت جمعی یعنی تنها متحد نظامی مسکو در قفقاز به شمار می‌رفت. از این‌رو، روابط ایروان و مسکو در منطقه‌ی قفقاز جنوبی توسط اندیشکده‌های روسی با جدیت مورد پیگیری قرار می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین محورهای تعاملاتی ارمنستان مسائل اقتصادی این کشور است. چرا که تنگنای ژئوپلیتیکی و جغرافیایی ایروان را همواره در مسیر دشوار انتخاب گزینه‌های تعاملی قرار داده است. اندیشکده‌های روسی بخش عمده تمرکز خود در منطقه قفقاز جنوبی را متوجه اقدامات اتحادیه اروپایی نسبت به کشورهایی همچون ارمنستان کرده‌اند. چرا که تلاش اتحادیه اروپایی جهت جذب ارمنستان در اروپا از طریق طرح مشارکت شرقی باهدف تلاش برای تضعیف روابط ارمنستان و روسیه به انجام رسیده است. باین‌حال هنوز بعید به نظر می‌رسد که ارمنستان قادر به فرار از وابستگی شدید خود به روسیه از نظر سیاست خارجی و مسائل امنیتی باشد (Gurbanov, 2017: 4).

قفقاز درگاه ایالات متحده، ناتو و اتحادیه اروپایی به حوضه دریای خزر با انرژی غنی و نیز پلی به سوی آسیای مرکزی است. طبیعی است که روسیه این امر را یک تهدید وجودی برای خود می‌داند. پس از روی کار آمدن پاشینیان در ارمنستان، روابط ایروان و غرب افزایش یافت. پاشینیان در دو مقطع (یک‌بار در ابتدای دوره نخست‌وزیری در سال ۲۰۱۸ و بار دیگر در میانه جنگ قره‌باغ در سال ۲۰۲۰) در اجلاس ناتو شرکت جست. باین‌حال او نسبت به حضورش در این اجلاس اظهار داشت که هیچ‌گاه ارمنستان به عضویت ناتو در نخواهد آمد، چرا که به دلایل امنیتی خود را در چارچوب سازمان پیمان همکاری دسته‌جمعی قابل جمع دانسته است. باین‌وجود، نگاه اندیشکده‌های روسی، به تحولات و تهدیدات محیط قفقاز جنوبی متکی به

1. Andrew Korybko

2. Nikol Pashinyan

دو عنصر منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است که تا حدود زیادی ارتباط تنگاتنگی میان آن‌ها مشاهده می‌شود. «به‌غیر از تهدید گسترش ناتو به شرق از مسیر قفقاز و تسلط شرکت‌های غربی بر جریان انتقال انرژی از دریای خزر به اروپا، در حوزه منطقه‌ای افزایش تحرکات ترکیه برای مقامات مسکو حائز اهمیت است» (Тимофеев, 2017: 2). فضای تعاملاتی ترکیه نسبت به ارمنستان همواره مملو از تهدید و چالش‌های تاریخی بوده است. در درگیری‌های منطقه قره‌باغ در سال ۲۰۲۰ ترکیه به‌طور کامل خود را کاملاً در کنار آذربایجان قرارداد. این امر ممکن است علاوه بر مواردی که در سوریه و لیبی شاهد بودیم، یک رویارویی دیگر ترکیه با روسیه را ایجاد کند؛ بنابراین ارمنستان یک مانع ژئوپلیتیکی برای ورود ترکیه به منطقه حساب می‌آید که دلیل اصلی روسیه برای حمایت از ارمنستان هم در همین نکته نهفته است. اگرچه پاشینیان با وجود پیمان دفاع متقابل ارمنستان و روسیه و پایگاه روسیه در ارمنستان در نزدیکی مرز ترکیه، از حمایت‌های روسیه نسبت به خود در برابر آذربایجان اطمینان نداشت؛ چرا که مسکو نیز تمایلات غرب‌گرایانه او را همواره رصد می‌کرد (Boyajian, 2020: 2).

از سال ۲۰۱۵ به بعد شکل دیگر رویکرد اندیشکده‌های روسی به محیط قفقاز، بررسی آن در چارچوب رقابت‌های دو اتحادیه اروپایی و اوراسیایی تجلی‌یافته است. منطقه قفقاز توانایی تبدیل شدن به یک بلوک شکاف میان اتحادیه اروپایی و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را از نظر همکاری انرژی دارد. چرا که اتحادیه اروپایی، منطقه قفقاز جنوبی (به‌ویژه جمهوری آذربایجان) را در کنار روسیه به‌عنوان یک تأمین‌کننده انرژی از نظر تنوع منابع انرژی خود برمی‌شمارد. به دلایل بسیاری - به‌ویژه تنش‌های سیاسی - سیاست انرژی اتحادیه اروپایی باهدف تطبیق تدریجی واردات سوخت، در درجه اول بر کاهش صادرات نفت و گاز از روسیه متمرکز است. اسناد دولتی اتحادیه اروپایی این ایده را با دقت بیشتری دنبال می‌کنند که جمهوری آذربایجان این امکان را در بلندمدت دارد تا موقعیت غالب روسیه را تضعیف کند. با این وجود، «استراتژی انرژی روسیه تا سال ۲۰۳۵ به منطقه قفقاز جنوبی اشاره‌ای ندارد» (Паронян, 2014:97).

البته در حال حاضر آذربایجان - تنها کشور منطقه‌ای که منابع انرژی را صادر می‌کند - نمی‌تواند با روسیه رقابت کند، لذا تنها در حد یک چالش بالقوه برای امنیت انرژی روسیه به‌حساب می‌آید. روسیه منابع طبیعی خود را به اروپا یا ترکیه (دو کشور مهم واردکننده گاز طبیعی خود) از طریق منطقه قفقاز جنوبی صادر نمی‌کند. تا سال ۲۰۱۴ برای انتقال انرژی به اروپا، روسیه بیشتر به سیستم خط لوله اوکراین و بلاروس متکی بود؛ اما وقوع بحران اوکراین در این سال، موجب سرعت گرفتن و البته آغاز انجام پروژه‌هایی همچون جریان شمالی ۲، جریان جنوبی و ترک استریم شد. با وجود اتمام خط لوله جریان جنوبی، سیاست امنیت انرژی روسیه در بلندمدت شامل کاهش درآمدهای صادرات گاز طبیعی و نفت به اتحادیه اروپایی است؛ اما این به معنای نادیده انگاشتن ترغیب ترکیه از سوی غرب برای پیوستن به پروژه‌های انتقال (TANAP / TAP) توسط روسیه نیست؛ زیرا این اقدام قیمت‌های بین‌المللی گاز را به‌طور بی‌سابقه‌ای در کمترین حد نگه می‌دارند و درآمدهای انرژی مسکو را در بلندمدت به خطر می‌اندازد.

محیط قفقاز جنوبی از منظر اندیشکده‌های روسیه یک جغرافیا چندپاره به هم متصل قلمداد می‌شود، به‌طوری‌که هر جز متصل در آن یک نقش متفاوتی را نسبت به دیگری برای امنیت اقتصادی روسیه ایفا می‌کنند. به‌عنوان نمونه ارمنستان در سال ۲۰۱۵ عضو کامل اتحادیه اقتصادی اوراسیا شد. به این معنا که این کشور سیاست انرژی خود را با اعضای این اتحادیه و روسیه هماهنگ خواهد کرد. «گاز پروم ارمنستان»، شرکت پیشرو در انتقال و فروش گاز طبیعی در ارمنستان، یک شرکت تابعه از «گاز

پروم روسیه» است. توزیع برق در این کشور تحت کنترل شرکت «شبکه‌های برق ارمنستان» قرار دارد؛ این شرکت به‌طور کامل متعلق به «ایتر راتوس» روسیه است. در مقابل گرجستان نیز نقش خود را به‌عنوان یک کشور ترانزیت معرفی می‌کند. این کشور به‌شدت علاقه‌مند به ترانزیت هیدروکربن‌های پایدار و بدون دردسر است. به رسمیت شناختن استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا، گرجستان را مجبور کرد تا روابط دیپلماتیک خود را با روسیه در حد پایینی نگه دارد. روسیه همچنان با گرجستان برخورد دارد و یکی از تهدیدات ژئوپلیتیک اصلی نسبت به منافع ملی خود در قفقاز جنوبی است. در نتیجه، همکاری کامل در میان روسیه - گرجستان در پروژه‌های انرژی و در شرایط فعلی به‌سختی امکان‌پذیر است (Искандарян, 2017: 1).

به‌طور کلی اندیشکده‌های روسی موضوع تهدیداتی را که متوجه روسیه در محیط قفقاز است، تابعی از تعاملات اتحادیه اروپایی و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی را در این محیط پُرچالش در نظر می‌گیرند. چرا که اولاً، منطقه قفقاز جنوبی به دلیل منازعات دیرینه از نظر ثبات سیاسی بسیار ناپایدار و شکننده است. دوماً، منافع متضاد و متناقض کشورهای خارجی در قفقاز جنوبی زمینه‌های تقابل اقتصادی و ژئوپلیتیک را بیش‌ازپیش فراهم می‌کند. اندیشکده‌های روسی با در نظر گرفتن نقش روسیه در حل معضلات امنیتی قفقاز و رقابت‌های موجود میان طرح‌های مختلف قدرت‌هایی که در محیط آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی منتفع هستند، اقدام به ارائه تحلیل و گزارش‌های متنوعی همچون یک کمر بند- یک راه چین و مشارکت شرقی اتحادیه اروپایی نموده‌اند که در عین ایجاد فرصت‌های مختلف، زمینه‌ساز ایجاد تعارض‌های متعددی برای روسیه و اتحادیه اقتصادی اوراسیایی آن در سال‌های آتی خواهد شد.

۶- نتیجه‌گیری

در این مقاله به اهمیت ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی - امنیتی در محیط آسیای مرکزی و قفقاز بر اساس اولویت‌های مطرح‌شده در اسناد سیاست خارجی روسیه تعیین‌شده بود، پرداخته شد. بر اساس این اولویت‌بندی، یک نگاه تهدید محور در این محیط استنباط و توضیح داده شد. در پاسخ به سؤال مقاله مبنی بر چگونگی ایفای نقش اندیشکده‌های روسی در درک تهدید و سپس شناخت محیط تهدید زا، یافته‌های مقاله نشان داده است که برای شناخت پیچیدگی‌های منطقه، قدم اول جهت فهم تهدیدهای ادراکی از سوی روس‌ها برداشته شده است. نگاه اندیشکده‌های روس به تهدید یا تصور تهدید، چندپاره بر پایه درک سازه‌انگاران خود است؛ بدین شکل که محور فکری و نظام معنایی امنیت را توأمان با جنبه فیزیکی آن در چارچوب‌های مطالعاتی خود دخیل کردند. به عبارت دقیق‌تر تهدیدها در سطوح داخلی و بین‌المللی و عوامل تهدید زا، تأثیرات بنیادین و متفاوتی در نگاه اندیشمندان این کشور دارد. این نگاه خود را به سطوح اولیه قدرت نزدیک کرده و از مؤلفه‌های اساسی در چارچوب امنیت ملی روسیه به حساب می‌آید. چنین دیدگاهی، ریشه‌ای عمیق در تاریخ، جغرافیای وطنی و هویت ملی روسیه طی ادوار مختلف آن دارد. پهنای بودن خاک روسیه تأثیری دوسویه بر این ادراک برجای گذاشته است. از یک‌سو، موجب شده تا این کشور همواره خود را در مقابل قدرت‌های غربی آسیب‌پذیر ببیند و از سوی دیگر متأثر از عنصر اجتماع اندیشه سازه‌انگاری مبتنی بر تعهدات مشترک انسانی در قالب جهانی، سبب نفوذ اندیشه حضور در صحنه بین‌المللی به‌عنوان یک قدرت بزرگ در میان نخبگان و تصمیم سازان روس شده است.

از زمان فرمانروایی تزاری تا حکومت شوروی، روسیه موردتهاجم خارجی قرار گرفته است، بنابراین نگرانی و حس ناامنی فیزیکی و هستی‌شناختی شکل گرفته در نگرش و منطق روسی در نتیجه این تجربه‌های پرتکرار و تهدیدهای نظامی و سیاسی غرب است. اساس و محور دکترین‌های نظامی و دیدگاه‌های امنیتی در سیاست خارجی روسیه را باید در همین منطق ارضی قدرت به علت قلمرو وسیع آن جست‌وجو کرد. ایجاد قدرت نظامی برای پشتیبانی از اقتدار سیاسی داخلی، دیپلماسی و امنیت هستی‌شناختی روسیه از اولویت‌های ذهنی نخبگان و سپس رهبران روسیه از گذشته بوده است. تفکرات توسعه‌طلبانه روس‌ها در مناطق اوراسیا، مناطق پیرامونی (خارج دور و نزدیک) ناشی از تفسیر مؤلفه فرهنگی نظریه سازه‌انگاری در حوزه استراتژیک، ژئوپلیتیک و امنیتی در پاسخ به تهدیدهای خارجی است.

در دوران جدید ریاست جمهوری پوتین، تمایل مسکو به تعریف یک هویت جهانی و برتر برای مشارکت در تعیین سرنوشت جامعه جهانی و آینده نظام بین‌الملل در حال گذار وهم در راستا اندیشه تاریخی قدرت بزرگ بودن، از جمله توصیه‌های اندیشکده‌های راهبردی این کشور به نهاد دولت محسوب می‌شود. چنین برداشتی از اصل هویت در اندیشه سازه‌انگاری سرچشمه گرفته و در ادامه با گفتمان نقش و رسالت بازتولید می‌گردد؛ که به‌طور کلی مفهوم محیط از منظر روس‌ها را باید در قالب فضای روسی، برجسته دید. این ایده فضا را به‌عنوان یک نکته کلیدی برای درک سیاست، حکومت و همچنین امنیت ملی، اقتصاد، جامعه و فرهنگ روسیه در برمی‌گیرد. باید به سمت کشف فضای روسیه در رابطه با قدرت دولت رفت. فضای عظیم این کشور تا حد زیادی قالب دولتی روسیه را تعیین کرده به نحوی که می‌توان آن را در سطوح مختلف به‌خوبی بازنمایی کرد.

تصور به وجود آمده از مفهوم تهدید بر محیط‌شناسی روسی هم اثر به‌سزایی داشته است. در این چارچوب، مفاهیمی همچون تهدید و محیط در تفکر روسی ابعاد و الگوهای گوناگونی یافته و مؤلفه‌های متعددی در آن دخیل هستند. همچنین نگاه تهدید محور و محیط بندی بر پایه تفسیر ژئوپلیتیک، تاریخی و فرهنگی در میان اندیشمندان و تصمیم‌سازان روسیه به‌اندازه‌ای ژرف است که مبنایی برای تدوین دکترین‌های نظامی یا امنیتی قرار گرفته است و بر صدر اهداف دیپلماتیک و اساس برنامه‌های دستگاه سیاست خارجی روسیه قرار گرفته است. به بیان سازه‌انگاران جهان اجتماعی روس‌ها، جهان طبیعی را در شرایط زمانی و مکانی مختلف، موقعیت‌ها و احتمالات گوناگون، به‌گونه‌ای آشکار تغییر داده است.

این نوع پژوهش‌ها هم قابلیت کاربرد مبنایی در سایر مطالعات امنیتی و هم به‌کارگیری برای مقابله با تهدیدهای منطقه‌ای و محیطی با مشارکت کرملین دارد. بررسی تهدیدهای محیط محور کشور فدراسیون روسیه برای مطالعات آینده‌پژوهی امنیتی کشور و نیز همکاری‌های دفاعی و امنیتی، اهمیت فراوانی دارد. با توجه به گسترده بودن حوزه معرفتی موضوع پژوهش، در بخش نظری، مجموعه از موضوعات قابل تحقیق پیشنهاد خواهد شد که هم در راستای اهداف و برنامه‌های ملی و نظامی باشد و هم برای زمینه‌سازی و جهت‌دهی به همکاری‌های دوجانبه میان تهران - مسکو مفید واقع شود نظیر یادگیری و انتقال نحوه تهدیدشناسی و محیط‌شناسی در چارچوب اندیشکده‌های علمی، بهبود مبانی ارتقاء نفوذ و اهمیت در محیط‌های مختلف برای جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از عقب‌افتادگی از تحولات امنیتی محیطی، شیوه کاهش احتمال غافل‌گیری راهبردی و جزئی در منطقه در مواجهه با تغییرات با پژوهش‌های تهدید محور، سنجش دامنه نفوذ و تهدیدات جمهوری اسلامی در محیط‌هایی که فدراسیون روسیه حضور مستقیم و غیرمستقیم دارد.

منابع

- افتخاری، اصغر، (۱۳۷۹)، «امنیت در حال گذار: تحول معنای امنیت در قرن بیستم و یکم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۷۹.
- ایناتلو، مریم، فتاحی، سجاد، فکری، محمد و قاسمی، روح‌الله، (۱۳۹۶)، «ساختار و کارکرد اندیشکده‌ها»، تهران: علمی-فرهنگی، چاپ اول.
- جمشیدی، محمد و الهی، ایرج، (۱۳۹۳)، «ارائه‌الگوی تحلیل محیط راهبردی سیاست خارجی ایران در حوزه آسیای مرکزی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۶، تابستان ۱۳۹۳.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۵)، «روش‌شناسی طراحی و تدوین الگوی مطلوب در پژوهش‌های راهبردی»، فصلنامه راهبرد، تهران: سال بیست و پنجم، شماره ۷۸، بهار ۱۳۹۵.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۸۸)، «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: سمت.
- سرگونین، آکساندر، (۱۳۹۷)، «تشریح رفتار سیاست خارجی روسیه؛ نظریه و عمل»، ترجمه مهدی هدایتی شهیدانی و سعید خاوری نژاد، رشت: دانشگاه گیلان، چاپ اول.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۶)، «تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل»، تهران: انتشارات سمت، چاپ سوم.

- Apukhtin, Yuri (2020), "Systemic crisis of the post-Soviet space. What to do?" **Военное обозрение**, Available at: <https://en.topwar.ru>, , (Accessed on: 18.10.2020).
- Boyajian, David (2020), "Avoiding World War III in the Caucasus", **katehon**, Available at: <https://katehon.com> (Accessed on: 23.09.2020).
- Chimiris, Ekaterina (2019), " Eastern Partnership Countries: Buffer Zone or Platform for Dialogue?", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 02.11.2019).
- Gabuev, Alexander (2016), "Imagined Integration: How Russia Can Maintain Its Influence in Central Asia", **Carengie Moscow Center**, Available at: <http://carnegie.ru>, (Accessed on: 17.04.2019).
- Gabuev, Alexander (2018), "Russian-U.S. Flashpoints in the Post-Soviet Space: The View From Moscow", **Carengie Moscow Center**, Available at: <http://carnegie.ru>, (Accessed on: 18.06.2019).
- Gurbanov, Ilgar (2017), "Armenia's Doubts on Russia Ties Prompt Pro-EU Maneuvering", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 09.05.2019).
- Imanaliev, Muratbek (2016), "Central Asia: A Region of Joint Action", **Valdai Discussion Club**, Available at: <http://valdaiclub.com>, (Accessed on: 12.06.2019).
- Jardine, Bradley (2020), "China and Russia blur lines on “division of labour” in exerting influence over Central Asia", **Russian Institute for Strategic Studies**, Available at: <https://en.riss.ru>, (Accessed on: 03.08.2020)
- Karin, Yerlan (2017), "Central Asia: Security vs. Modernization", **Valdai Discussion Club**, Available at: <http://valdaiclub.com>, (Accessed on: 11.07.2019).
- Kortunov, Andrey (2020), "Eight Principles of the Greater Eurasian Partnership", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 13.09.2020).
- Korybko, Andrew (2017), "Russia and Pakistan", **Geopolitics**, Available at: <http://geopolitica.ru>, (Accessed on: 18.06.2019).
- McGann, James, G. (2016), **Global Go to Think Tank Index Report 2015**, University of Pennsylvania, ScholarlyCommons. Pennsylvania.
- Makhmutov, Timur (2016), "The Marginalia of Russia’s Foreign Policy Today", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 12.06.2019).
- Malashenko, Alexey (2015), "Islamic Challenges to Russia, From the Caucasus to the Volga and the Urals", **Carengie Moscow Center**, Available at: <https://carnegie.ru>, (Accessed on: 22.08.2019).

- Minasyan, Sergey (2017), "Hard Times for Multivectorism in Post-Soviet Space: Azerbaijan between Russia and the West", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 12.06.2019).
- Mukhametdinov, Mikhail (2020), "How the US Hybrid War on Russia Induces and Constrains Eurasian Integration", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 14.07.2020).
- Paikin, Zachary (2019), "Orders Within Orders: A New Paradigm for Greater Eurasia", **Russian Internatinal Affairs Council**, Available at: <http://russiancouncil.ru>, (Accessed on: 14.11.2019).
- Wendt, A. (1995). "Constructing International Politics", **International Security**, Vol, 20, Issue 1.
- Искандарян, Александр (2017) "Южный Кавказ: Смена Географии", **Международный Дискуссионный Клуб «Валдай»**, Доступен на: http://ru.valdaiclub.com/a/highlights/yuzhnyy-kavkaz-smena-geografii/?sphrase_id=130700
Дата Обращения: 30/02/2019
- Кузьмина, М. (2017) "«Большая Евразия»: Интересы и Возможности России при Взаимодействии с Китаем", **Проблемы Постсоветского Пространства**, №. 4, Ч. 3, _С. 229-239.
- Паронян, А. Л. (2014) "Евразийский Экономический Союз: Отношение к Проекту Южно-Кавказских Государств", **Вестник РУДН, серия Политология**, № 3, _С. 96-104.
- Селезнев, И. А. (2018) "На Страже Коллективной Безопасности Центральной Азии", на книге **"Россия и Новые Государства Евразии"** Главный редактор Н.В.Работяжев, Национальный Исследовательский институт Мировой Экономики и Международных Отношений Имени Е.М.Примакова РАН.
- Тимофеев, Иван (2017) "Россия и НАТО: Парадоксальный Кризис", **Международный Дискуссионный Клуб «Валдай»**, Доступен на: <http://ru.valdaiclub.com/a/highlights/rossiya-i-nato-paradoksalnyy-krizis/> Дата Обращения: 26/06/2018.

Understanding the threat and its effects on the Regionalology approach of Russian think tanks; emphasizing on the environment of Central Asia and the Caucasus

Mehdi Hedayati Shahidani¹, Mohammad Reza Larti²

Received:2020/10/11

Accepted:2021/01/31

Abstract

Threat is defined as an axis role in designing security doctrines. Should threat be considered as a blend of possibility for an event and its negative results, the concept of threat in the mental model of Russian analysts refers to a set of situations that have somehow endangered, harmed, or targeted Russia's short-term and long-term national interests, values, and priorities. By prioritizing security developments and addressing key threats in this environment, this paper raises the main question of what is the definition, perspective, dimensions and components of Russian governmental and non-governmental think tanks on the two concepts of threat and environment in Central Asia and the Caucasus? The main hypothesis of the article is that governmental and non-governmental think tanks in Russia have defined and developed the concepts of threat and environment in Central Asia and the Caucasus based on their historical experiences, national geography, natural and cultural identity, interests and material priorities. In the framework of structural theory, this article explains Russian perceptions of threat and its impact on the concept of environment, especially in Central Asia and the Caucasus. To achieve the desired results, this article has been done by descriptive-analytical method and using library resources (written and electronic).

Keywords: Think Tank, Threat, Regionalology, Russian Federation, Central Asia, Caucasus.

¹. Assistant Professor of International Relations Gilan, Gilan, Iran (Corresponding Author) mehdi.hedayati@gmail.com

². Master student of International Relations, University of Guilan, Guilan, Iran